

کلاهش خارجیه



نویسنده:
سید محمود میرزا علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلاهش خارجیه

نویسنده:

محمود بحر العلوم میردامادی

ناشر چاپی:

بهار قلوب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	کلاهش خارجییه
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۱۰	مقدمه
۱۱	متن
۴۰	درباره مرکز

کلاهش خارجیہ

مشخصات کتاب

سرشناسه : میردامادی، سید محمود، ۱۳۳۶ -

عنوان و نام پدیدآور : کلاهش خارجیہ / نویسنده سید محمود بحر العلوم میردامادی؛ تنظیم مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مہدویت.

مشخصات نشر : اصفہان: بہار قلوب □ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاہری : ۳۵ ص؛ ۵/۱۹×۵/۹ س م.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۱۱-۰.

وضعیت فہرست نویسی : فیا

موضوع : اسلام -- مطالب گونه گون -- بہ زبان سادہ

شناسہ افزودہ : مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مہدویت (اصفہان)

ردہ بندی کنگرہ : BP۱۱/م۸۶۵ک۸ ۱۳۹۳

ردہ بندی دیویی : ۲۹۷/۰۲

شمارہ کتابشناسی ملی : ۳۶۰۴۸۴۵

ص: ۱

اشارہ

نویسنده: سید محمود بحر العلوم میردامادی (دام ظلّه)

تنظیم: مجمع مطالعات و تحقیقات مسائل جهانی مهدویت

ناشر: بهار قلوب

چاپ اول: ۱۳۹۳

چاپخانه: گل وردی

تعداد: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۶۷-۱۱-۰

قیمت: ۱۰۰۰ تومان

ص: ۴

به نام او که برای عدالت می آید

یکی از کارهایی که دشمنان اسلام انجام می دهند شبهه پراکنی، تحریف حقایق و نادیده گرفتن فضایل اخلاقی است. بر همگان، خصوص اهل بیان و قلم لازم است، در برابر این دشمنی ها ایستادگی کنند و پاسخ طرفداران باطل را بدهند. این سطور، برای عمل به وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر نوشته شده و پاسخگویی شبهات در زمینه ی

۱- خداشناسی

۲- پیامبرشناسی

۳- قرآن شناسی

۴- امام شناسی و

۵- معادشناسی می باشد.

در این سطورخط دشمنان اسلام با زبان ساده افشاء شده است.

خدا کند که قبول افتد و چراغ راه شود.

ص: ۵

متن

- چرا مثل آدمای ندید بدید، اینجوری به کفشها نگاه می کنی؟
- آخه بند کفشم از خارجه اومه؟
- خدا بداد برسه، پس پدر سوسی چی بگه که کلاهش خارجه؟
- یعنی خارجیا، کلاه سر پدر سوسی گذاشتن؟!
- مثل اینکه خارجیا با یه بند کفش تو را به بند کشیدن!
- خب آخه اینا خیلی چیز فهمیدن، قانون حقوق بشر رو اینا وضع کردن.
- چرا حرفات مثل یخ و دروازه بی ارتباطه؟
- جون من راست نمی گم؟ حقوق بشر خیلی مهمه.
- برای اینکه خیلی مهمه، توی این وضعیت بد اقتصادی، تو، بند کفش خارجی خریدی؟
- مگه اشکالی داره؟
- آخه بعضیا پول خرید کفش
- معمولی رو ندارن

- این چه ربطی به حقوق بشر داره؟
- معلوم می شه تو اصلاً حقوق را نمی دونی با قاف می نویسن یا با غین
- یعنی میگی من بی سوادم؟
- اتفاقاً، سوادت خیلی زیاده، سواد یعنی تاریکی، دلت تاریکه.
- تو مگه از دل من باخبری؟
- تا مرد سخن نگفته باشد...
- آخه من که هنوز چیزی نگفتم !!!
- از همان اول معلوم شد جذب خارجیا شدی و جامعه خودت را فراموش کردی.
- خارجیا چی ندارن، علم ندارن، صنعت ندارن...؟
- اولاً علم را ما داشتیم، اونا سرقت کردن، ثانیاً گفتی چی ندارن.
- انسانیت ندارن، دین درست و حسابی ندارن.
- دین چیه؟ اینا دفاع از حقوق بشر دارن!
- دین یعنی توجه به قانون خدا
- حالا واسه چی، قانون خدا؟
- خدا انسان را خلق کرده، پس باید خودش برا انسان برنامه بده، مثلاً یه کتاب، مثل قرآن.

- پس میگی این قرآن، الهی الهی؟

- تو میگی الهی نیست؟

- خب شاید فکر پیامبر باشه.

- خودت می گی پیامبر، یعنی پیغام آور، آن حضرت پیام چه کسی را آورده؟

- کاری به لفظ نداشته باش، بگو شاید فکر محمده.

- اولاً- چرا نمی گی حضرت محمد صلی الله علیه و آله ، ثانیاً خوب اگه یه انسان می تونه این همه نبوغ داشته باشه که قرآن بیاره، خوب نابغه توی دنیا زیاده، اونا هم مثل قرآن بیارن.

- خوب شاید آوردن

- می تونی یه آدرس از این نوابغ به من بدی؟

- من که نمی شناسم!

- پس بی مطالعه چی می گی؟

- حالا چرا حرفو منحرف کردی؟

- حرف ما مگه چی بود؟

- داشتیم از حقوق بشر حرف می زدیم.

- بین باید اصولی پیش بریم.

ص: ۸

- یعنی چی؟

- اساساً تو، خدا و خالق هستی را قبول داری؟

- باید فکر کنم.

- خیلی عجیبه، تو این بیست و چند سال هنوز فکر نکردی که این جهان خالق داره؟

- حالا فرض کن داره.

- با فرض کن که کار درست نمی شه.

- ای بابا! تو هم چقدر گیر می دی.

- آخه مگه من چی گفتم؟

- همش دوست داری حرفای دینی بزنی.

- چرا حوصله ات سر می ره، انگار پیپتو نکشیدی...

- آخ جون خوب شد یادم آوردی.

- ولی تا روشنش کردی، من می گم پیپ خودش روشن شد.

- شوخی نکن!

- راستی چه جوری خورشید

خودش روشن شده؟

- نمی شه؟

- مثل اینکه تو عقل نداری!

- سؤال کردم.

- منم جواب دادم.

- عقل چی می گه؟

- عقل می گه استارت روشنایی دنیا را خدا زده.

- عجب پیپ خوبی شد.

- نوش جونت چرا حرف توی حرف میاری؟

- ها، چی گفتم؟

- یادت رفت؟

- آخه من حافظه زیادی ندارم.

- خوب معلومه، عقل حسابی هم نداری.

- بنا نشدا...

- بنا چی بود؟

- حرف حسابی بزنی.

- گفتم عقل می گه استارت هستی رو خدا زده.

- خب، حالا که چی؟

- یعنی خداوند خالق جهان و برنامه زندگی را خودش باید بده.

- تو می گی این قرآن،

برنامه همیشه گیه؟

- بله همیشه گیه.

- چرا؟

- واسه اینکه آخرین برنامه و کامل ترین قانونه.

- از کجا معلومه؟

- بنا شد اصولی پیش بریم.

- یعنی چی؟

- یعنی آیا به خدا عقیده داری؟

- یه کمی داشتم، حالا زیادتر شد.

- یعنی حالا به خداوند عقیده داری؟

- آره بابا عقیده دارم.

- خوب از این به بعد بهتر پیش می ریم.

- من حاضرم.

- خداوند که مهندس جهان آفرینش و خالق انسانه، قرآن رو فرستاده و فرموده: اگه شک دارین که این از طرف ما نازل شده،

خوب یه سوره مثلش بیارین، و تا حالا کسی نتونسته مثلشو بیاره این می شه، دلیل حقایقیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله .

- این درست ولی برای چی

می گی این قانون

ص: ۱۱

کامل ترین و آخرین؟

- خود قرآن می گه پیامبر، آخرین پیامبره و این برنامه کامل ترینه.

- آخه چطوری برای زمانای بعدی قرآن برنامه داره؟

- من که گفتم قرآن از طرف خداوند اومده، او همه ی نیازهای بشر رو تا قیامت می دونه.

- یعنی قانون الهی تغییر پیدا نمی کنه؟

- آیا اصول انسانیّت، مثلاً خوبی صداقت و عدالت تغییر پیدا می کنه؟

- این قانون تغییر که همه گانیه.

- چرا حرفای مار کسیستها رو می زنی بنا بود دیگه خوب بشی.

- یعنی می خوای بگی اینطور نیست؟

- آخه مگه ما کلی قوانین ثابت نداریم توی اخلاق، توی علوم و خیلی جاها دیگه، قانون دین هم همینجوره.

- مثلاً توی علوم چی داریم؟

- قوانین ریاضی آیا ثابت

نیست؟

- ای لعنت به معلّم ما.

ص: ۱۲

- برای چی؟

- زمانی که ما دانشگاه می‌رفتیم هی از قانون دیالیک تیک می‌گفت، از تغییر می‌گفت.

- پس نتیجه گرفتیم که تغییر سراغ اصول و مسائل اساسی دین نمی‌ره و دین اسلام جاودان و همیشه گیه.

- عاقبت نگفتی حقوق بشر چی می‌شه؟

- چند ساله سیگار و پپ می‌کشی؟

- دوباره مسیر حرفو عوض کردی؟

- سؤال منو جواب بده.

- شاید هفت هشت ساله.

- آیا تو محیط بسته هم سیگار و پپ می‌کشی؟

- مگه عیبی داره؟

- تو که اینقدر بی‌هوشی، حقوق بشر سرت می‌شه؟ دیروز هم سگت پای همسایه را گاز گرفته.

- چشم همسایه کور، خوب بود به فلفلی جون اذیت نکنه.

- آخه فلفلی جونت اول اذیت کرده.

- چه اذیتی؟ اونا می گن سگ نجسه فلفلی هم بدش اومده.

- یعنی سگ شما اینقدر باهوشه؟

- یعنی چه؟

- یعنی نمی خواد بهش بگن نجسه.

- خوب دیگه.

- پس سگ از نجس بودن بدش می یاد و می خواد پاک باشه؟

- مگه اشکال داره؟

- اشکال به آدما بر می گرده که بعد عمری نمی خوان پاک بشن، خب، اگه راستی تو دین اسلام را قبول داری، باید بدونی سگ نجسه.

- به فلفلی می گم بیاد گازت بگیره.

- عجب حقوق بشری!

- آخه...

- آخه یعنی چی؟ تو سیاست مثل آمریکا می مونه

که سگاشو توی دنیا ول می کنه، هر کس حرف حقی می زنه میگه به سگم می گم گازت بگیره.

ص: ۱۴

- مسئله رو سیاسیش کردی.

- من با تو دارم دینی حرف می زنم، حواست کجاست، می گم سگ نجسه بدت می یاد، می دونی سگ حدود ۹۰ نوع بیماری مُسری داره؟

- چرا اینا خارجیا نمی دونن.

- دوباره می گی خارجیا، اونا چی می دونن، آخه تو حَش و که نمی شه اسمش و تمدن بذاری.

- یعنی چی؟

- یعنی همین بیماری ایدز، از کجا اومده؟ چرا اکثر جوونای اینا به بیماری های مقاربتی و... مبتلان؟

- بالاخره حقوق بشر چی شد؟

- حقوق بشر توی دین ما اومده، حتی برای حیوونا و گیاهها هم حقوقی معین شده.

- من فکر می کنم این یک تبلیغه.

- کی اینو به تو گفته؟

- خودم کلی چیز می دونم، فقط گاهی فراموش می کنم

- نکنه مثل اون که کُلُوا وَ اشْرَبُوا را گوش می کرد

ص: ۱۵

ولا تُسرفُوا را فراموش می کرد شدی؟

- یعنی چه؟

- تو که خیلی چیز می دونی چرا این جمله رو نفهمیدی؟

- حالا اشکالی داره معنا کنی؟

- یعنی تو وقتی یه حرفی به سودت باشه یادت می مونه، اما اگه به ضررت شد یادت می ره.

- ای بابا! توام هی مانع حرکت به سمت آزادی می شی.

- نگفتی می خوام میدون آزادی بری.

- چی گفتی؟

- کی من مانع حرکت تو به سمت میدان آزادی شدم؟

- میدون آزادی رو که نمی گم منظورم آزادی بیان و آزادی قلم و آزادی های دیگه است که توی حقوق بشر اروپا اومده.

- حالا مگه تو آزاد نیستی؟

- غرضم آزادی تو دانشگاهه.

- می خوام تو دانشگاه چکار کنی؟

ص: ۱۶

- از مارکس بگم، از تمدن اروپا بگم، از حال و هوای آزادی حرف بزنم.

- عجب، تو که حالا کلی چیز گفتی و بازم داری ادامه می دی.

- اصلاً خوبه آدم، عرفانی فکر کنه.

- یعنی چه؟

- عرفانی فکر کردن یعنی آزادِ آزاد، اینا میگن:

ما درون را بنگریم و حال را

نی برون را بنگریم و قال را

- ماشالله به این هوش، تو که می گفتی فراموش کاری، و تازه این حرف را صوفیا زدن.

- اینا را همون معلّم مارکسیست یادمون داد.

- پس این صوفیا با مارکسیستا خویشاوندی فرهنگی دارن؟

- شاید، من نمی دونم.

- خوب این شعر چی می خواد بگه؟

- شاید تو بهتر بدونی.

- اینا می گن باطن را باید

درست کرد، ظاهر چیزی

ص: ۱۷

نیست.

- راست نمی گن.

- این فرار از مسئولیت، کی می دونه باطن تو چیه؟ پس هم ظاهر باید درست باشه و هم باطن و تازه این شعر مولویه.

- چه فرق می کنه مال مولوی باشه یا مال علی باشه؟

- خیلی فرق می کنه، مولوی که معصوم نبوده.

- مگه علی معصوم بوده؟

- تو می گی معصوم نبوده؟

- آخه این غلوه.

- مولوی را با امام علی علیه السلام مقایسه کنی غلوه نیست ولی اعتقاد به عصمت امام علی علیه السلام غلوه؟

- چرا اینا باید معصوم باشن؟

- چون حرف غیر معصوم خریدار نداره و مردم می گن وای بروزی که بگنند نمک.

- این که دلیل نمی شه.

- تو خودت فکر کن مثلاً گفته ی پیامبر اگه احتمال خطا داشته باشه، از کجا معلوم، که قرآن از طرف خدا

باشه؟

ص: ۱۸

- پس چرا اینا استغفار و عذرخواهی می کنن؟

- این از معرفت بالائیه که پیامبر و ائمه دارن، عذرخواهی می کنن که بیشتر نمی تونن عبادت کنن، یعنی قصور امکانی دارن.

- بعضیا می گن، توی قرآن هم اینا گنه کار معرفی شدن.

- اون بعضیا کی ان؟

- همونائی که تبلیغ علیه دین می کنن.

- خوب گفتی، پس معلوم شد، قصدشان چیه؟

- خوب جوابشون چیه؟

- قرآن، ترجمان داره، باید ببینیم اونا در این موضوع چی گفتن.

- ترجمان قرآن کیه؟

- خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یعنی حضرت علی و حضرت فاطمه و فرزندان ایشان علیهم السلام .

- اینا باید قرآنو معنی کنن؟

- حتماً، اینا مترجم و مفسر واقعیه قرآنن.

- اینو کی گفته؟

- پیامبر از قول خداوند گفته.

- واسه چی، کار را سختش کردن؟

- پیش پزشک هم که می ری، بعدش باید زیر نظر دکتر داروخانه نسخه ات پیچیده بشه.

- یعنی قرآن حلّ المسائل می خواد؟

- تو می گی نمی خواد؟

- راست می گی، اگه ترجمان نداشته باشه ممکنه یه جور دیگه ازش برداشت کنن.

- برای همینه که ترجمان قرآنو در طول تاریخ ترور می کنن.

- یعنی چی؟

- توی تاریخ بین، خاندان رسول خدا را گاهی با شمشیر و زهر ترور کردن، گاهی با تهمت.

- در نتیجه.

- در نتیجه، قرآن را هر جور خودشون بخوان معنا می کنن - محمّد رضا پهلوی قرآن چاپ می کنه - فهد و

حزبش هم مبلغ قرآن می شن.

- پس گناه انبیاء آخرش چه شد؟

ص: ۲۰

انبیاء گناه به معنایی که توی ذهن ماهاس انجام ندادن، بلکه بعضیشون ترک اولی کردن، یعنی بهتر بود، در یک موضوع خاص کار دیگری غیر کاری که انجام دادن انجام می دادن، اینو بهش میگن ترک اولی، به اضافه قرآن آیات زیادی در مورد عصمت انبیاء داره.

- یک پیپ بکشم.

- توی فضای سر بسته، نه، چون مخالف حقوق بشره.

- باشه می ریم بیرون، تو فضای سبز.

- حیفت نمی یاد، هوای به این خوبی رو آلوده می کنی؟

- تو به گل نگاه کن، بوی گل استشمام کن به من چکار داری؟

- وقتی فضا را آلوده می کنی، کجا بوی گل میاد، تو مته منحرفین این عصر می مونی که فضای جامعه را دودآلود میکنن.

- یعنی کیا؟

- همینائیکه منکر مکتب عترت می شن و با اهل بیت علیهم السلام می جنگن (یعنی وهابیا).

- راستی کسی می تونه منکر مکتب عترت بشه؟
- خیلی راحت، برای اینکه کم نیارن تبلیغ سنت می کنن.
- مگه اشکال داره، خوب سنت هم مال پیامبره.
- اشکال اینه که اینا سنتو جای عترت گذاشتن، ولی طبق نقل همه ی مسلمونا پیامبر فرموده: کتاب الله و عترتی.
- پس سنت چی میشه؟
- سنت پیامبرو، عترت بیان می کنن همانطور که قرآن را بیان می کنن.
- خیلی قشنگه.
- چی قشنگه، گلها را می گی؟
- نه، اینکه برای قرآن و سنت حافظ گذاشتن.
- آفرین، داری راه می افتیا!
- اما عاقبت نگفتی حقوق بشر چی میشه؟
- حقوق بشر تو کلام خدا و
- رسول و خاندان رسول اومده.
- من که ندیدم !!

- تو فقط خودتو دیدی؟

- آخه تو قرآن دستور قتل هم داره.

- قتل کی؟ آدم خوبا؟ انسانهای وارسته؟ محرومین و مظلومین؟ یا غده های سرطانی؟

- چه فرق می کنه؟

- آه از نادونی!!

- یعنی چی؟

- دکتر جراح آیا با قطع غده ی سرطانی به داد مریض نمی رسه.

- من که قبول ندارم.

- چیا قبول نداری؟ این که خیلی بدیهیه! و تازه اگر قبول نداشته باشی چی می شه؟ مثلاً قبول نداری که خورشید نور می ده؟

- خوب قبول کردم؛ اما چرا حقوق زن نادیده گرفته شده؟

- حالا شدی طرفدار حقوق زن، تو چند روز پیش زنتو طلاق دادی!

- مگه تو اسلام طلاق وجود نداره؟

ص: ۲۳

- داره؛ امانه به این آسونی که توی غربه.

اسلام برا طلاق هزار تا مانع درست کرده تا زندگی مردم از هم نپاشه، بچه ها بی سرپرست نشن، این دفاع از حقوق زن و خانواده نیست؟

- حالا برگردیم به اصل مطلب!

- اصل مطلب چیه؟

- حقوق بشر تو قرآن و روش پیامبر و خاندان پیامبر.

- یعنی تو اینقدر بی اطلاعی؟!!

- خوب بابا یه کمی با ما راه بیا دیگه!

- آخه می ترسم توی حرف من حرف بزنی و رقص سماع راه بیاندازی!

- رقص سماع؟!!

- یادمه که یه وقتی صوفی شده بودی.

- تو چرا با ما صاف نمی شی؟

- هر وقت تو با تشیع صاف شدی باهات صاف می شم!

- با تشیع؟!!

- آره.

- تشیع که مکتب صفویّه

است!!

ص: ۲۴

- دیدی هنوز عقیدت خرابه.

- راست نمی گم؟

- تشیع زمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تأسیس شده و اون حضرت تعریف و تمجید شیعه رو کرده، کجا مربوط به صفویه است؟

- خیلی ها اینا می گن.

- تو آخرش مقلدی، مقلد گروییج یهودی و ماسینیون مسیحی.

- این حرفا چکار به اینا داره؟

- آخه مطالعه نداری فقط ادعا می کنی.

- چه ادعایی؟

- ادعای چیز فهمی!

- آخه تشیع خرافاتیه!!

- یعنی چی؟

- همین گریه، روضه، سیاه پوشی، علم و پرچم...

- خوب بسه، گفتم که تو مقلدی! تو برای فقدان دوستت گریه نمی کنی؟ برا پدرت؟ همینکه تعریف خوبی ها شو می کنی، خوب همین روضه است، چند

ص: ۲۵

روز پیش هم که دیدم برا مرگ دوست سیاه پوشیدی! علم و پرچم هم که یک نشانه است؛ نشانه ی عزا.

- من که قانع نمی شم.

- آخه تو یه درد و دو درد نداری، اضافه بر تری، نم هم داری، هم مارکسیستی، هم وهابی! صوفی هم که بودی، راستی خدا بدادت برسه!

- حالا بریم به اصل مطلب برسیم.

- حقوق بشر رو می گی؟

- آره، قربون آدم چیز فهم!

- حقوق بشر همینه که تو داری وقت منو بی جهت می گیری و هی مطلب می بافی

- دیگه هیچی نمی گم.

- وسط حرف من نباید از مولوی بگی، از حلاجی ماسینیون بگی، از یهودی و کاتولیک بگی، قول می دی؟

- قول می دم.

- جُرج جُرداق مسیحی یه کتاب نوشته به نام «امام

ص: ۲۶

علی صدای عدالت انسانیت»، که توی اون کتاب حقوق بشر اروپا رو با حقوق بشر حضرت علی مقایسه کرده و برتری را با حقوق بشر امام علی دونسته.

- حرفای یه مسیحی که، برای ما حجت نیست.

- گفتم که تو پر حرفی و طاقت شنیدن حرفای حسابی رو نداری!

- مگه حرفای جرج جرداق می تونه حجت باشه؟

- یادت رفته حرفای اسلام شناسان غربی را تو دانشگاه تکرار می کردی، همین دیروز سینه چاک حلاج و خرقانی بودی! اینا قولشون حجتیه، چون مخالف راه حضرت علی علیه السلام، ولی جرج جرداق قولش حجت نیست.

- من روحساب حرف خودتون می گم که هی می خواید دنبال معصوم برید!

- بده که دنبال معصوم بریم؟ این که دستور خداونده! ثانیاً اگر کسی مکتب معصوم را تشریح کنه، و مذهب ما رو تعریف و

تأیید کنه، این قولش حجت نیست؟

- دین ما به تعریف این و اون نیاز نداره.

- من نمی گم نیاز داره، اما اگه کسی تعریف کنه و خوبی هاشو بگه اشکال داره؟

- حالا جرج جرداق چی گفته؟

- جرج جرداق گفته علی صدای عدالت انسانیتته، اون حقوق بشر را توی مکتب علی علیه السلام بررسی کرده.

- مسیحیه! باید بگه عیسی صدای عدالت انسانیه؟!

- بله؛ با اینکه مسیحیه، اما کتاب در مدح و خوبی اسلام و خاندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نوشته.

- حالا یک مسیحی اومده اسلام را مدح کرده.

- ای حق ناشناس! ای منفی باف بی چاره!

- چطور مگه؟

- اگر این مسیحی منفی بافی کرده بود که می گفتی خیلی روشن فکره!

- خوب از یه گل که بهار

نمی شه.

- خیلی خارجیا به اسلام علاقه مند شدند و با مطالعه، درباره ی اسلام نظر دادن.

- اینا مسلمون می شن؟

- پرفسور هانری کرین، جامعه شناس و اسلام شناس

ص: ۲۸

فرانسوی، مسلمون شده و می‌گه من توی مناجاتم صحیفه ی علویّه و مهدویّه می خونم، پروفیسور لیگن هاوزن امریکایی که از نهج البلاغه مسلمون شده، مهندس آرکادی ایتالیائی که شب تولّد امام زمان (۱۵ شعبان) مسلمون شده و ده ها ره یافته دیگه.

- اینا رو شما از کجا می شناسین؟

- با خیلی هاشون تماس داشتم، اینا حرف برای زدن دارن، خیلی راه ها رو رفتن ولی فهمیدن که فقط اسلام نجات غریقه.

- به هر حال حقوق بشر چی شد؟

- راستی خیلی...

- عصبانی نشو، فهمیدم

می‌خوای بگی حقوق بشر تو دین اسلامه.

- اسلام علی بن ابیطالب علیه السلام، نه اسلام منحرّفین و سلاطین.

- چه فرقی داره؟

- از قیامت نمی ترسی؟ اینقدر زبونت وله؟

- قیامت؟!؟

- بین بعد از اینکه خداوند رو قبول کردی که خالق

ص: ۲۹

جهانه، باید قیامت رو قبول کنی که روز حسابه.

- یعنی خدا حسابها رو گذاشته برای قیامت؟!

- گاهی هم توی دنیا آدمو بی چاره می کنه!

- خدا نکنه، ما که چاگر خدائیم!

- خدا چاگر نمی خواد، عبد و بنده می خواد.

- باشه بابا ما بنده ی خدائیم.

- اگه راست می گی، چرا نماز تو نخوندی؟

- تو را خدا قرار شد ایراد نگیری، ما جای نماز، ذکر

یا علی می گیم.

- بی چاره گاهی وهابی می شی؟ گاهی صوفی می شی؟! این دین تو دیگه چیه؟!

- برو قلبتو صاف کن، با دین چکار داری؟!

- من که با دلیل و برهان با تو حرف می زنم، دلسوزی برات می کنم، من قلبمو صاف کنم، یا اونا که تو را منحرف کردن، و

هر لحظه به شکلی تو را آرایش کردن؟!

- راستی خدا ازشون نگذره، جوانی ما رو هدر دادن!

- خودت هم شریک جرمی، آخه مگه عقل

نداری؟! هر چی بهت می‌گن باید با عقلت بسنجی.

- اونا طوری حرف می‌زنن که انکار فیلسوف دهرند، همین معلم منحرف دانشگاه، آنقدر پشت هم انداز و جعله که از همه چیز می‌گه و بعدش هم می‌گه اینا صراط‌های مستقیمه!

- البته اسلام مولوی و خرقانی، غزالی و حلاج، که با تغییر مارکسیست‌ها می‌سازه

صراط‌های زیادی

داره، اما اسلام پیامبر خدا و علی مرتضی یک صراط بیشتر نداره.

- امروز که پیامبر و علی نیستند، کار میزان و الگو دادن با کیه؟

- من دیگه خسته شدم، این بحث بمونه برای بعد.

- ممکنه دیگه بعد نداشته باشیم، ممکنه من امروز...

- راستی داری گریه می‌کنی؟

- تو می‌گی من خیلی بدم، شایدم درست می‌گی، اما حالا می‌خوام خوب بشم.

- خودت کنترل کن، برو یه کم به صورتت آب بزن.

- نه یه باره وضو می‌گیرم.

- حالا که با وضو شدی شیرین‌ترین بحث رو برات می‌گم خدا خیلی با ما مهربونه، برای همین هیچ وقت

ما را بدون رهبر و راهنما نمی‌ذاره.

همیشه آدما چراغ راهنما داشتن، ولی بعضی دیدند چراغ راهنما، ظاهراً براشون ضرر داره، با دزدی هاشون

مخالفه، اینا زدن چراغ راهنما رو شکستن، پیامبران الهی، تا رسول خدا صلی الله علیه و آله، امام علی علیه السلام تا امام یازدهم علیهم السلام اینا را اذیت کردن، ترور کردن، خداوند، آخرین چراغ راهنما را غایب کرد، تا مردم یه مقدار بیان تو باغ، بفهمند مکتب های مختلف درداشونا دوا نمی‌کنن، حکومت ها برای آوردن عدالت مطلق بی عرضه اند.

- مقصدت از چراغ راهنمای غایب حضرت مهدی دیگه؟

- کاملاً درسته، الگو و میزان کار برای مردم مسلمون، امروز امام زمانه.

- وجود امامی که غایبه چه فایده ای داره؟

- برای مثال، تا حالا- کنترل از راه دور نشنیده ای؟ امام زمان بر جهان و روی قلوب مردم کنترل داره، حاکم جهان، اما برای اینکه محفوظ بمونه، خدا تا روز ظهور غایبش کرده، امام زمان به حال ما عالمه،

از کار ما آگاهه ولی از

دیده ی ما غایبه، این معنایش این نیست که او وجود ندارد.

- بعضی می گن هنوز به دنیا نیومده؟

- آخه اینا جواب قرآن را چی میگن که: (لکل قوم هاد) برای همه ی اقوام هادی و رهبر وجود داره هادی امروز، کیه؟ مگه امام حسن عسکری علیه السلام هنوز حیات دارن؟ مگه ایشون شهید نشدن؟ و ده ها دلیل قرآنی دیگه و ادله ی حدیثی بی شمار از همه ی فرق مسلمین.

- کسی می تونه آقا رو ببینه؟

- لازم نیست آقا را ببینی، ولی خواستن توانسته، بشرط اینکه خود تو لایق کرده باشی، اصلاً یکی از دلیل هائی که می گه آقا وجود دارند همینیه که بعضی ها آقا رو دیدن، آدمای لایقی مثل سید بحر العلوم و مقدس اردبیلی.

- چگونه آدم، لایق دیدار می شه؟

- از جهتی سؤال سختیه، اما

از جهتی آسونیه، خلاصش اینه که آدم به وظیفش عمل کنه، غیر از وظائف همگانی مثل نماز و روزه هر کسی به مقدار توانش،

ص: ۳۳

باید در بیداری مردم کوشش کنه، غیر اینکه خود سازی می کنه، نجات غریق هم باشه، اگه پول داره حق آقا رو در راه نشان دادن عظمت مکتب آقا (با اجازه ی نمایندگان عامه ی آقا = مراجع تقلید) مصرف کنه، اگه مسئوله از قدرتش به نفع آقا استفاده کنه، و همین طور...

- دیدار آقا چله نشینی و ریاضت نمی خواد؟

- چله نشینی، وظیفه شناسیه، چهل روز آدم مراقب باشه به وظیفش عمل کنه، یه وقت وظیفه درس خواندنه، تدریسه، تبلیغه، و یا دیگه وظایف، در ضمن نماز هم بخونه، دعا و توسل هم داشته باشه این چله نشینی مشروعه، اما چله نشینی صوفیانه و ریاضت کشی عرفان نمایانه کسی رو به امام زمان نمی رسونه، این کار رو درست کردن که باهاش آدمای تنبلو گول بزنن.

البته وظیفه شناسی به چهل روز ختم نمی شه آدم با ایمان همه وقت باید به وظیفش عمل کنه و از سستی و تنبلی اجتناب کنه، بعضی ها برای فرار از مسئولیت می خوان با ذکر و ورد، دعا و گریه کارها حل بشه، در حالی که مکتب ما همان طور که دعا، گریه و

توسل داره، کار و کوشش، علم آموزی، تبلیغ و ترویج هم داره.

- راستی که همین جوهره، من از شما که نجات غریق شدید متشکرم.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

